

مبادی و اصول «فقه حکومتی»

جلد اول

خاستگاه و مشروعیت احکام حکومتی

دبیح الله نعیمیان

اندیشکده فقه حکومتی

www.ketab.ir

www.ketab.ir

سرشناسه: نعیمیان، ذبیح‌الله، ۱۳۵۱-
عنوان و نام پدیدآور: خاستگاه و مشروعیت احکام حکومتی، مبادی و اصول
«فقه حکومتی» / ذبیح‌الله نعیمیان.
مشخصات نشر: قم: کتاب فردا، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری: ۳۴۶ ص. : ۲۱/۵×۱۴/۵ س.م.
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۳۷۵-۲۷-۲
وضعیت فهرست نویسی: فیبا
عنوان دیگر: مبادی و اصول «فقه حکومتی».
موضوع: علوم سیاسی (فقه)
موضوع: Political science (Islamic law)
موضوع: اصول فقه
موضوع: Islamic law -- Interpretation and construction
موضوع: حکم حکومتی
موضوع: Act of state
رده بندی کنگره: BP۱۹۸/۶ / ۴۸ن۶۵ ۱۳۹۶
رده بندی دیویی: ۲۹۷/۳۷۹
شماره کتابشناسی ملی: ۵۱۰۸۲۵۱

www.ketab.ir

مبای و اصول فقه حکومتی - جلد اول

خاستگاه و مشروعیت احکام حکومتی

پدیدآورنده: نعیمیان، ذبیح الله

ناشر: کتاب فردا

چاپ اول: زمستان ۱۳۹۷

شمارگان: ۳۰۰ نسخه

وقیعت جلد شومیز:

۳۵۰,۰۰۰ ریال

قیعت جلد گالینگوز:

توزیع: کتاب فردا: قم، میدان بسیج، خیابان ایرانی، کوچه ۴، پلاک ۲۱

تلفن: ۰۲۵-۳۷۷۴۶۹۹۲

صندوق پستی: ۳۷۱۵۵-۸۱۳۷

BookRoom.ir

فروش اینترنتی:

پاتوق کتاب فردا

© کلیه حقوق مادی و معنوی اثر برای ناشر محفوظ است.

فهرست اجمالی

- ۲۳ دیباچه
- ۲۵ الف. جایگاه بحث از «خاستگاه و مشروعیت احکام حکومتی»
- ۲۸ ب. چرایی واکاوی «خاستگاه و مشروعیت احکام حکومتی»
- ۳۰ ج. «احکام ولایی - حکومتی» در بوته «پرسش‌های تأمل‌برانگیز»
- ۳۴ د. «مبادی و اصول فقه حکومتی»؛ گرانیگاه بحث از «مناسبات فقه، سیاست و حکومت»
- ۴۱ فصل اول: قلمرو «تشریح الهی»؛ همه «امور و وقایع مورد نیاز»
- ۴۳ درآمد
- ۴۴ الف. چشم‌انداز نسبت «دایره تشریح الهی» با «اختیار تقنین حکومتی و صدور احکام ولایی»
- ۴۶ ب. گزاره اجماعی «لکل واقعه حکم»؛ بیانگر «چشم‌انداز تشریح الهی»
- ۵۴ ج. حیطه‌های «عمومیت تشریح»
- ۷۲ د. نسبت «نظریه تصویب» و «عمومیت تشریح»

- فصل دوم: مقوله «مشروعیت تشریح پیامبر ﷺ و ائمه علیهم السلام»: تحلیل‌هایی از
- ۹۱ «روایات تفویض»
- ۹۳ درآمد
- ۹۴ الف. نظریه «انحصار تشریح به خداوند»
- ۱۱۳ ب. نظریه «انحصار تشریح به خداوند و پیامبر ﷺ»
- ۱۳۲ ج. نظریه «مشروعیت تشریح یا تصرف در احکام توسط ائمه اطهار علیهم السلام»
- ۱۴۴ د. نظریه مختار
- ۱۴۹ فصل سوم: انواع «ولایت تشریحی»
- ۱۵۱ درآمد
- ۱۵۶ الف. ولایت بر «بیان احکام شرعی الهی»
- ۱۶۱ ب. ولایت بر «تشخیص»
- ۱۶۸ ج. ولایت بر «تصرف»
- ۱۸۲ د. ولایت بر «انشاء حکم»
- ۱۹۹ فصل چهارم: ماهیت و مشروعیت «تقنین حکومتی و اسلام احکام ولایی»
- ۲۰۱ درآمد
- ۲۰۴ الف. نظریه امتناع «اطلاق تشریح بر تقنین ولایی»
- ۲۱۱ ب. نظریه امکان «اطلاق تشریح بر تقنین ولایی»
- ۲۲۱ فصل پنجم: نسبت «تدبیر ولایی» با «مقوله اجتهاد» در تلقی «اهل تسنن»
- ۲۲۳ درآمد
- الف. نسبت اجتهاد به «پیامبر اکرم ﷺ»؛ زمینه‌ساز «تقلیل شأن ولایی به شأن تبلیغی»
- ۲۲۵
- ب. دو تلقی «استقلالی و تقلیل‌گرا» درباره «فرامین پیامبر ﷺ»
- ۲۳۱
- ج. خاستگاه «الزام حکومتی» در «تلقی سنتی»
- ۲۳۹
- د. ابهام تاریخی «مفهوم اجتهاد»؛ «صرف استنباط» یا اعم از «تشریح تدبیری»؟
- ۲۵۱

هیچ جامعه‌ای را نمی‌توان به دور از تدبیر سیاسی و بی‌نیاز از آن دانست. اما تدبیر سیاسی جامعه مقتضی وجود نظام سیاسی خاصی است. در این میان، اندیشه سیاسی اسلام، نظام سیاسی خاصی را تصویر می‌کند که نیازمند تأمل در ابعاد مختلف آن هستیم.

عنوان بحث حاضر «از تشریح الهی تا تدبیر اجتهادی - ولایی؛ خاستگاه و مشروعیت احکام حکومتی» است. نکات زیر به عنوان درآمدی بر این پژوهش است:

الف. جایگاه بحث از «خاستگاه و مشروعیت احکام حکومتی»؛

ب. چرایی واکاوی «خاستگاه و مشروعیت احکام حکومتی»؛

ج. «احکام ولایی - حکومتی» در بوته «پرسش‌های تأمل‌برانگیز»؛

د. «مبادی و اصول فقه حکومتی»؛ گرانگه‌گاه بحث از «مناسبات فقه،

سیاست و حکومت».

الف. جایگاه بحث از «خاستگاه و مشروعیت احکام حکومتی»

یکی از اصلی‌ترین مباحث مهم در حوزه «فقه حکومتی» بحث از قوانین و احکامی است که در خدمت تدبیر جامعه است. به تعبیر دیگر، یکی از

اصلی‌ترین مؤلفه‌هایی که الگوی نظری و عملی را به یکدیگر پیوند می‌دهد مقوله «احکام و قوانین عام یا موردی حکومتی» است. چه آن‌که، هر حکومتی به ناگزیر برای تدبیر امور جامعه، از ابزارهایی بهره می‌گیرد. در این میان، مقوله قوانین و احکام حکومتی یا ولایی از مهم‌ترین ابزارهای تدبیر جامعه است و از مهم‌ترین مباحث مشترک در فقه سیاسی - حکومتی است.

امور جامعه مقتضی تصمیم‌گیری‌های خاصی است که بدون داشتن الگوی روشن نظری نمی‌توان به آنها مبادرت کرد. بی‌تردید هر نظام سیاسی نیازمند قانون روشنی در زمینه نحوه اداره جامعه است و این نیاز مقتضی تکوین و توسعه تأملات نظری است. پژوهش حاضر تمرکز خود را معطوف به نخستین حلقه بحث از حکم حکومتی با عنوان «خاستگاه و مشروعیت احکام حکومتی» کرده است. چنان‌که، این بحث را در افق خاصی دنبال می‌کند.

افقی که بحث حاضر در آن دنبال می‌شود «از تشریح الهی تا تدبیر اجتهادی - ولایی» است. چه آن‌که، بدون تلقی روشن از تشریح الهی نمی‌توان جایگاه قوانین حکومتی و احکام ولایی را باز شناخت. چنان‌که، این امور به مثابه تدابیر ولایی، از نسبت خاصی با مقوله اجتهاد برخوردارند و بحث از آنها بیانگر خاستگاه و کیفیت مشروعیت یابی احکام و قوانین حکومتی است.

توجه به نکات زیر می‌تواند جایگاه بحث و پژوهش در مقوله «خاستگاه و مشروعیت احکام حکومتی» را تبیین کند:

۱. در نظام سیاسی اسلام، این احکام شرعی است که منبع اصلی قانون اداره و تدبیر جامعه است. اما، بخشی از این قانون نیز برآمده از اختیارات ولایی و حکومتی زمامداران است و از این رو، نحوه صدور فرامین و جعل احکام یا قوانین از جانب زمامداران در کیفیت تدبیر

جامعه نقش بارزی ایفا کرده و مؤثر خواهد بود. دست کم بخشی از این امور در نظام سیاسی اسلام و فقه سیاسی، تحت عنوان احکام سلطانی یا احکام حکومتی مورد اشاره قرار می‌گرفته‌اند. چنان‌که، در فضای بررسی‌های حقوقی نیز مقوله پراهمیت قانون‌گذاری می‌تواند در ارتباطی کامل و تنگاتنگ با بحث فعلی تلقی شود.

۲. این مقوله می‌تواند با مسائل و مؤلفه‌های مختلفی پیوند پیدا کند. از یک سو، بخش مهمی از آن به مقوله ماهیت‌شناسی احکام شرعی و احکام حکومتی باز می‌گردد که نیاز به بحث از آنها در قالب تأملات مستقل دیگری هست. از سوی دیگر، پاسخ‌گویی به نیازهای متغیر جامعه نیز مقتضی بحث از نسبت احکام حکومتی با این نیازهای پرتغییر است. از این رو، بحث از شرایط، موضوعات و مؤلفه‌های متغیر می‌تواند از طریق طرح مقوله احکام ثابت و متغیر، بخشی از بحث درازدامن خاستگاه احکام حکومتی را دامن زند.

۳. بررسی مقولات مهمی مانند احکام حکومتی به مسائل مختلفی گره می‌خورد. از این رو، می‌توان از منظرهای مختلفی به این امر اقدام کرد. اما بررسی فقهی این مقوله، از اهمیت خاصی برخوردار است. در این میان، فقه سیاسی شیعه مؤلفه‌ها و عناصر مختلفی در بردارد که نحوه بررسی مسئله احکام حکومتی را تحت تأثیر قرار می‌دهند. در این میان، نسبت احکام حکومتی با احکام ثابت شرعی اهمیت دارد و می‌تواند تبیین‌گر بخشی از خاستگاه احکام حکومتی باشد.

۴. مقوله مهمی مانند حکم حکومتی ابعاد مختلفی دارد. وجود مبانی دینی، مقتضی توسعه تأملات دین‌باورانه در زمینه این مقوله است. در این میان، بحث «خاستگاه و مشروعیت احکام حکومتی» یکی از آغازین مباحث اساسی در این زمینه است که می‌تواند پایه‌ای برای بسیاری دیگر

از مباحث تطبیقی در فقه سیاسی و فقه حکومتی گردد. چنان‌که، تأمل در این مقوله، می‌بایست در افق کلانی وارد شود که دست‌کم برخی مبادی مهم دور و نزدیک فقه حکومتی را تصویر کند و تلقی‌های مختلف در آنها را مورد توجه قرار دهد. چنان‌که، بسیاری از مباحثی که در فقه حکومتی و فقه سیاسی به مثابه اصول و مبانی مشترک است، به بحث گذارد.

۵. بحث از «خاستگاه و مشروعیت احکام حکومتی» گذشته از آن‌که، درآمدی منطقی نسبت به بحث «ماهیت‌شناسی احکام حکومتی و احکام شرعی» است، می‌تواند از برخی جهت متأخر از آن باشد. چنان‌که، می‌تواند درآمد و تمهیدی بر برخی دیگر از مباحث مربوط به احکام حکومتی مانند «کیفیت استنباط و تحلیل احکام حکومتی معصومان علیهم‌السلام»، «کیفیت صدور و امتثال احکام حکومتی»، «مبانی به‌کارگیری مصلحت در نظام سیاسی اسلام» و... باشد. روشن است که تأمل در مباحثی مانند ضوابط صدور و کیفیت اجرای احکام ولایی نیز بحث مستقل دیگری می‌طلبد. در هر حال، بحث حاضر به مثابه درآمدی بر دیگر مباحث مربوط به احکام حکومتی و دیگر مقوله‌های مهم در فقه حکومتی است.

۶. در مجموع، بحث از «خاستگاه و مشروعیت احکام حکومتی» می‌تواند به عنوان حلقه‌ای مهم در میان مباحث «مبادی و اصول فقه حکومتی» و تمهیدی بر مباحث تطبیقی در «فقه سیاسی» و «فقه حکومتی»، بوده و برانگیزاننده تأمل و ژرف‌کاوی‌های بیشتر در این مجالات بایسته باشد.

ب. چرایی و اکاوی «خاستگاه و مشروعیت احکام حکومتی»

جایگاه احکام حکومتی از دیرباز نیز مورد توجه فقها بوده است. اما تکوین

و استمرار پر قوت نظام جمهوری اسلامی ایران با محوریت ولایت مطلقه فقیه ضرورت بررسی ابعاد مختلف این امر را ضروری ترمی نماید. نکات زیر می‌تواند بیانگر چرایی واکاوی نظری درباره «خاستگاه و مشروعیت جعل و صدور احکام حکومتی» باشد:

۱. بخشی از اختیارات حاکمیتی هر زمامدار و هر نظام سیاسی از طریق جعل و صدور قوانین و احکام حکومتی اعمال می‌شود. اما روشن است که جدا از نیاز عینی برای زمامداری شایسته و مناسب، تبیین نظری «خاستگاه و مشروعیت احکام حکومتی» اهمیتی فراتر از خاستگاه عینی و توجیه عمل‌گرایانه دارد. این تبیین نظری می‌تواند پشتوانه مناسبی برای آن خاستگاه عینی و جهت‌دهنده نیازهای عملی باشد.

۲. بررسی خاستگاه و مشروعیت احکام حکومتی، مسئله پراهمیتی است. ضرورت این بحث از آن روست که با وجود احکام شرعی در اندیشه سیاسی دینی، این مسئله قابل طرح است که چه نیازی به احکام حکومتی هست؟ و چه نسبتی میان احکام شرعی و احکام حکومتی می‌باشد؟ آیا احکام مذکور در تعارض با احکام شرعی است؟

۳. بررسی «خاستگاه و مشروعیت احکام حکومتی»، مقوله‌ای ضروری است و بدون آن نمی‌توان هیچ تصویر مناسبی از بنیاد نظری «تدبیر جامعه در نظام سیاسی اسلام» داشت. چه آن‌که، جعل و صدور فرامین و قوانین در جامعه اسلامی می‌بایست با تکیه بر مبانی دینی، از توجیه شرعی کافی و مناسب برخوردار شوند. بلکه، می‌بایست برآمده از خاستگاهی دینی باشند.

۴. بخشی از الگوی نظری ولایت مطلقه فقیه از طریق صدور احکام حکومتی، جنبه اجرایی و عینیت خارجی می‌یابد. از این رو، بررسی این موضوع اهمیت مضاعفی می‌یابد و تأمل در «خاستگاه و مشروعیت احکام

حکومتی» می‌تواند تبیین‌گر ابعاد ادی از مقوله ولایت مطلقه فقیه باشد.

۵. ولیّ فقیه برخوردار از حقّ و وظیفه اعمال ولایت در دامنه گسترده‌ای است که هیچ نظام سیاسی آنها را بلا تکلیف رها نکرده است. به تعبیر دیگر، صلاحیت‌های حاکمیتی در همه جوامع و نظام‌های سیاسی وجود داشته و دارد. بخشی از این صلاحیت‌های حاکمیتی از طریق جعل و صدور قوانین عام حکومتی و احکام موردی ولایتی اعمال می‌شود. اما تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری محدود به رأس قله تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی - و از جمله در الگوی ولایت فقیه محدود به شخص ولیّ فقیه - نیست. این امر مقتضی آن است که سطوح مختلف تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری در جامعه اسلامی مبتنی بر الگوی ولایت مطلقه فقیه، تصویر شفاف‌تری از «خاستگاه و مشروعیت احکام حکومتی» داشته باشند و بتوانند آنها را در چارچوب اختیاراتی فهم کنند که الگوی ولایت مطلقه فقیه، در اختیار ولیّ فقیه و از طریق او در اختیار سطوح پایین‌تر تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیر قرار می‌دهد.

با تکیه بر نکات مزبور، پژوهش حاضر به بررسی توصیفی - تحلیلی مقوله درازدامن، ظریف و پراهمیت «خاستگاه و مشروعیت احکام حکومتی» می‌پردازد.

ج. «احکام ولایتی - حکومتی» در بونه «پروش‌های تأمل برانگیز»

سؤال اصلی و محوری در پژوهش حاضر عبارت است از این‌که: احکام حکومتی از چه خاستگاهی برخوردارند؟ و مشروعیت آنها چگونه تأمین می‌شود؟

بحث مزبور از این منظر اهمیت دارد که خدای متعال به تشریح احکام الهی نسبت به همه وقایع پرداخته است. بنابراین، باید از خاستگاه دینی

و شرعی احکام و قوانینی بحث کرد که برای حاکم قابل طرح هستند. از این رو، معنای این پرسش اصلی این است که با توجه به جعل احکام شرعی توسط شارع حکیم و پذیرش جایگاه رفیع این احکام در اندیشه سیاسی اسلام، این مسئله قابل طرح است که چه نیازی به احکام حکومتی وجود دارد؟ آیا اصل تجویز احکام مذکور در تعارض با وسعت دایره احکام شرعی نیست؟

بررسی خاستگاه و مشروعیت احکام حکومتی، وظیفه‌ای است که طرح برخی پرسش‌های مهم دیگر را ایجاب می‌کند و هنگامی می‌توان به این پرسش کلیدی پاسخ گفت که به پرسش‌های فرعی زیر پاسخ داده شود:

۱. آیا خدای متعال اقدام به تشریح و قانون‌گذاری نسبت به همه وقایع کرده است؟ دایره و قلمرو جعل احکام توسط شارع تا چه حد است؟ در راستای تحلیل این مسئله، این مسئله مطرح می‌شود که مقوله «عدم خلو واقعه از حکم» مربوط به مقام ثبوت است یا مربوط به مقام اثبات؟ در هر حال، این دو پرسش مطرح است که آیا می‌توان در مقام ثبوت، مقوله «عدم خلو واقعه از حکم» را به صورت مطلق پذیرفت؟ و در صورت پذیرش این گزاره، آیا می‌توان مقوله «عدم خلو واقعه از حکم» را در مقام اثبات نیز قابل طرح دانست؟ در هر حال، در این زمینه چه مبانی‌ای وجود دارد و کدام یک را می‌توان پذیرفت؟

۲. تأثیر پذیرش مبانی «عدم خلو واقعه از حکم» نسبت به هر دو مقام ثبوت و اثبات، در خاستگاه و مشروعیت حکم حکومتی چیست؟ به تعبیر دیگر، با تکیه بر جعل و بیان گسترده احکام شرعی توسط شارع حکیم و پذیرش جایگاه رفیع این احکام در اندیشه سیاسی اسلام، این مسئله قابل طرح است که چه نیازی به احکام حکومتی وجود

دارد؟ آیا اصل تجویز احکام مذکور در تعارض با وسعت دایره احکام شرعی نیست؟

۳. آیا کسان دیگری غیر از خداوند مانند پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، ائمه اطهار علیهم السلام و فقها از حق تشریح برخوردارند؟ و چه نظریه‌هایی در این زمینه وجود دارد؟

۴. اگر کسانی غیر از خداوند متعال از چنین حقی برخوردار شده باشند، دایره تشریح آنان تا کجاست؟ آیا می‌توانند اقدام به جعل و انشاء احکام ثابت کنند یا تنها می‌توانند اقدام به تشریح یا انشاء احکام موقت کنند؟

۵. آیا می‌توان موارد ولایت را ترکیبی از انواع مختلفی از ولایت تشریحی دانست؟ در این صورت، انواع ولایت تشریحی کدامند؟

۶. آیا انشاء احکام توسط حاکم و ولی امر می‌توان تشریح و تقنین خواند؟ این مسئله هم در زمینه پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام قابل طرح است و هم در زمینه اختیارات ولایی ولی فقیه قابل طرح است.

در توضیح این بحث شایان ذکر است که پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام برخوردار از ولایت کلیه هستند و مقتضی صدور احکام ولایی است. بخشی از این احکام ولایی را می‌توان احکام حکومتی دانست. چه آن‌که، این ولایت کلیه شامل اداره جامعه اسلامی نیز است. از این رو، حق صدور احکام ولایی - حکومتی برای آنان نیاز به بحث ندارد و اعطای چنین حقی به آنان از جانب خدای متعال، امری روشن و غیر قابل تردید است. اما آیا صدور این احکام حکومتی به منزله تشریح است یا نه؟ طرح این پرسش در ارتباط با احکام حکومتی از آن روست که دریابیم آیا احکام حکومتی بخشی از تشریح الهی محسوب می‌شوند یا نه؟ و به تعبیر دیگر، آیا احکام حکومتی پیامبر صلی الله علیه و آله، ائمه معصومین علیهم السلام و فقها بخشی از آموزه «لکل واقعه حکم» و «عدم خلو واقعه عن حکم» را تشکیل می‌دهد؟ یا

آن که، آموزه مزبور امری فراتر از حق صدور احکام حکومتی از جانب آنان است؟ بر فرض آن که، پیامبر ﷺ، ائمه معصومین علیهم السلام و فقها از چنین حقی برخوردار شده باشند، این حق آیا تنها محدود به دایره صدور احکام حکومتی و احکام موقت است؟ یا تنها محدود به احکام غیر حکومتی و غیر موقت است؟ یا شامل هر دو قسم می شود؟ چنان که، این پرسش را نیز می توان مطرح کرد که بر فرض برخورداری آنان از حق مزبور، آیا صدور احکام حکومتی از سنخ تشریح است که آن را در بحث حق تشریح پیامبر ﷺ و ائمه معصومین علیهم السلام وارد کنیم؟

۷. اختیارات ولایی و حکومتی چه نسبتی با مقوله اجتهاد دارد؟ به تعبیر دیگر، نسبت «اجتهاد تدبیری - ولایی» با مقوله «اجتهاد استنباطی» چیست؟ در این زمینه، تلقی علمای شیعه و اهل تسنن از نسبت مزبور چیست و چه تفاوتی با یکدیگر دارد؟

ترکیب پرسش های مزبور به گونه ای است که بحث از «خاستگاه و مشروعیت احکام حکومتی» متکفل بحثی در قالب «از تشریح الهی تا تدبیر اجتهادی - ولایی» شده است. به تعبیر دیگر، بحث حاضر دو چهره یافته است و از این رو، عنوان کتاب حاضر هر دو چهره بحث مزبور را در خود جمع کرده است.

شایان ذکر است که سیر بحث در پژوهش حاضر بر اساس پرسش های فوق تنظیم شده است و فصول مختلف عهده دار بررسی این مسائل - با تکیه بر رصد دیدگاه های مختلف و دسته بندی آنها - در این امر شده اند:

فصل اول: قلمرو «تشریح الهی»؛ همه «امور و وقایع مورد نیاز»؛

فصل دوم: مقوله «مشروعیت تشریح پیامبر ﷺ و ائمه علیهم السلام»؛
تحلیل هایی از «روایات تفویض»؛
فصل سوم: انواع «ولایت تشریحی»؛